



## بیانات معظم له در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید مبعث - 23 مهر / 1380

بسم الله الرحمن الرحيم

عید شریف مبعث را که در حقیقت عید تاریخ انسانیت است، به همه‌ی ملت‌های مسلمان، بخصوص به ملت عزیز ایران و به شما حضار محترم که در این مجلس تشریف دارید، تبریک عرض می‌کنم. البته امسال عید ما در این روز به خاطر فجایع افغانستان، عید کاملی نیست. جمع کثیری از اجزای همین امت بزرگ اسلامی و پیروان همین نبی مکرم، امروز دستخوش برخورد تعصب‌آمیز، کینه‌آمیز و انتقام‌آمیز قدرتهای ظالم و ستمگرند. امیدواریم که ان‌شاءالله به برکات نبی اکرم و برکات امروز، خداوند متعال برای همه‌ی امت اسلامی - از جمله و بالاخص برای مردم افغانستان و مردم مظلوم فلسطین - فرجی حاصل کند.

مبعث در حقیقت روز برافراشته شدن پرچم رسالتی است که خصوصیات آن برای بشریت، ممتاز و بی‌نظیر است. مبعث در حقیقت پرچم علم و معرفت را برافراشت. بعثت با «إقرء» شروع شد: «إقرء باسم ربك الذي خلق» (45) و با «ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة» (46) ادامه یافت؛ یعنی دعوت همراه با حکمت. دعوت اسلامی در حقیقت گسترش و پراکندن حکمت در سراسر عالم و در طول تاریخ است؛ همچنان که بعثت، پرچمداری و برافراشته شدن پرچم عدل است؛ یعنی در میان مؤمنین، بندگان خدا و آحاد بشر، عدالت استقرار پیدا کند؛ همچنان که رسالت، برافراشتن پرچم اخلاق والای انسانی است؛ «بعثت لأتمم مكارم الاخلاق». (47) خدای متعال خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «و ما أرسلناك الا رحمة للعالمين»؛ (48) یعنی همه‌ی چیزهایی که بشر - در همه‌ی زمانها، در همه‌ی شرایط و در هر نقطه‌ی عالم - به آن نیاز دارد، در این بعثت گنجانده شده است؛ یعنی علم و معرفت، حکمت و رحمت، عدل و برادری و برابری؛ چیزهای اساسی‌ای که جریان زندگی سالم انسان به اینها وابسته است. حتی با این‌که در اسلام، جهاد مقرر شده است، و جهاد یعنی مبارزه با زورگویی و تجاوز - البته بعضی کسان به طور بدخواهانه، اسلام را به خاطر حکم جهاد، دین شمشیر معرفی کردند - اما همین اسلام می‌فرماید: «و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل على الله»؛ (49) یعنی باز آن جایی که شرایط اقتضا می‌کند، صلح را بر جنگ ترجیح می‌دهد.

امروز بشر به این معارف محتاج است. ما مسلمانها تقصیر داریم و باید به تقصیر خودمان اقرار کنیم. ما مسلمانها تقصیر داریم؛ اولاً در ارائه‌ی معارف حقیقی اسلام در سطح جهان؛ ثانیاً در نشان دادن الگوهای درست از اسلام در سطح عالم. اگر مسلمانها عمل و رفتارهای اجتماعی و فردی و الگوهای حکومتی و سیاسی خود را بر طبق این معارف تنظیم کنند، بزرگترین تبلیغ اسلام است. البته شکی نیست که امروز امواج تبلیغاتی پیچیده و درهم‌تنیده‌ی عالم، علیه اسلام متمرکز شده است. شما دیدید در همین حوادثی که در شهرهای امریکا به وقوع پیوست، مدیران شبکه‌های تبلیغاتی از این فرصت برای متهم کردن اسلام سوء استفاده کردند؛ یعنی هیچ فرصتی را از دست نمی‌دهند. البته این گناهی است که سیئه و تبعه و اثر و لک‌ه‌ی ننگ آن بر دامن سیاستمداران قدرتمند بسیاری از کشورهای غربی ماند. طوری حرف زدند و عمل کردند که مسلمانهای بیگناه و بی‌خبر را که شهروندان خود آنها بودند، در معرض تهمت قرار دادند و بالاتر از آن، اسلام و خورشید معرفت و نورانیت و صفا و رحمت را مورد تهمت قرار دادند. علی‌ای حال امروز بشریت محتاج اسلام است.

در مورد قضایایی که در منطقه‌ی ما اتفاق می‌افتد، نکات مهمی وجود دارد که خوب است دنیای اسلام به آنها توجه کند. دو اتفاق مهم در حال رخ دادن است: يك اتفاق که بسیار تلخ و خطرناک است، این است که با عملکرد و



سیاست‌هایی که مسؤولان و سیاستمداران و قدرتمندان - عمدتاً امریکایی - اتخاذ کردند، صلح منطقه و به احتمال زیاد صلح جهانی تهدید می‌شود. اینها همیشه شعار صلح و طرفداری از صلح را می‌دهند، اما عملاً صلح را تهدید می‌کنند و دنیا را به جنگ می‌کشاند. آیا مصلحت کمپانیهای اسلحه‌سازی این‌طور ایجاب می‌کند؟ آیا مصلحت‌های سیاسی استعماری و استکباری این‌گونه ایجاب می‌کند؟ آیا جهالت‌ها و غرورها و بی‌توجهی به حقایق عالم این وضع را پیش می‌آورد؟ همه‌ی اینها محتمل است. آنچه که واقعیت دارد و انسان در حرف‌های مسؤولان کشورهای قدرتمند - و عمدتاً مسؤولان امریکایی - می‌شنود، حرف‌های تهدید کننده‌ای است. اینها صلح را تهدید می‌کنند؛ دنیا را به جنگ تهدید می‌کنند. جنگ بین چه کسانی؟ جنگ بین فرقه‌ها؟ جنگ بین کشورها؟ جنگ بین ظالم و مظلوم؟ همه‌ی اینها محتمل است.

اسم صلح تکرار می‌شود. همه‌جا شعار می‌دهند که ما صلح می‌خواهیم. در مذاکرات سیاسی، مرتب صلح را مطرح می‌کنند؛ اما در عمل آتش جنگ را برمی‌افروزند! این حادثه، حادثه‌ای بسیار مهم و تلخ است. همه‌جا تهدید به جنگ، تلخ است؛ اما وقتی یک بهانه‌ی غیرمنطقی به دنبال یک جنگ باشد، بسیار تلختر و سنگینتر است. منطق امریکا برای حمله به افغانستان، منطق بسیار ضعیفی است. هیچ کس را در دنیا قانع نکرد؛ حتی سیاستمدارهایی که طرفدار امریکا هستند، تصریح کردند که قانع نشدند.

این چه منطقی است که ما بگوییم چون در کشوری متهمانی وجود دارند، پس به این کشور باید حمله کرد! آن متهمان در کوهها، غارها و نقاط نامعلومند؛ اما این آتشها بر سر کسانی فرود می‌آید که هیچ‌گونه اتهامی در این مسأله ندارند. این واقعیتی است. از این ظلم بالاتر چیست؟

اینها پیکر امت اسلامی را مجروح کردند. حقیقتاً امروز دنیای اسلام، دردمند و داغدار است. این قضیه‌ی افغانستان است، آن هم قضیه‌ی فلسطین. امروز متأسفانه صهیونیستها از همین حادثه هم سوء استفاده می‌کنند و فشارها را بر مردم مظلوم فلسطین، مضاعف کرده‌اند.

اتفاق دیگری که در حال رخ دادن است - که آن هم عمدتاً به دست امریکاییها و بعضی همکارانشان است - این است که تمدن غرب، حقیقت و هویت خود را نشان می‌دهد و تجربه‌ای برای بشریت به وجود می‌آورد. جنگها تمام می‌شوند، اما تجربه‌ها می‌مانند. حوادث بزرگ، برای ملتها درس دارند. این درس در سینه و حافظه‌ی زوال‌ناپذیر بشریت خواهد ماند که تمدنی با این زرق و برق و با این همه ادعا، این‌طور در بوته‌ی امتحان، ناموفق از آب درآمد. در کاری که اینها می‌کنند، جنگ‌افروزی و ظلم و بی‌عدالتی و غرور و سرمستی و رفتارهای غیرخردمندانه وجود دارد. به راه انداختن جنگ، تهدید کردن صلح، کشتن مردم بی‌دفاع، مصرف کردن سرمایه‌های زیاد برای آتش‌افروزی، آن هم به یک بهانه‌ی غیرقابل اعتماد؛ اینها تجربه‌های یک تمدن است. این را شما تطبیق کنید با تمدن اسلامی که وقتی در زمان خلفای راشدین، مسلمانها مناطق غرب دنیای اسلام - یعنی مناطق روم و سوریه‌ی فعلی - را فتح کردند، با یهودی و مسیحی‌شان چنان رفتاری کردند که بسیاری از آنها به خاطر رفتار مسلمانان به اسلام گرویدند. در همین کشور ما، ایران، بسیاری از مردم بدون مقاومت تسلیم شدند؛ چون مروّت و رحمت و مدارای مسلمانها را با دشمنان مشاهده کردند؛ بنابراین خودشان آمدند مسلمان شدند. در روم - آن چنان که در تاریخ نوشته شده است - وقتی مسلمانها آمدند، یهودیها گفتند: «والتوراة»؛ قسم به تورات، ما در طول زندگی خود، مثل امروز، روز خوشی را ندیده بودیم. حکومت مسیحی بود و بر آنها ستم روا می‌داشت؛ وقتی اسلام آمد، عطوفت اسلامی را احساس کردند. اینهاست که در تاریخ می‌ماند؛ اینهاست که جهتگیری تاریخ را مشخص می‌کند؛ اینهاست که ماندگاری یک فکر و تمدن و فرهنگ را تضمین می‌کند.

اینها این‌گونه جنگ‌افروزی می‌کنند و من نمی‌دانم آیا هدفشان جنگیدن با اسلام و مسلمانهاست؟! یک وقت، دو سه سال قبل از این، یک سیاستمدار برجسته‌ی غربی در تهران جمله‌ای با این مضمون به من گفت که ما قصد ایجاد



جنگ بین اسلام و مسیحیت نداریم! من گفتم مگر چنین صحبتی هست؟! چرا باید اسلام و مسیحیت با همدیگر بجنگند؟ بنا بر این نیست که ادیان و مذاهب در دنیا با هم جنگ داشته باشند؛ در کنار هم زندگی می‌کنند. بعد به او گفتم شما اروپاییها دم از صلح می‌زنید، اما بزرگترین جنگهای دنیا را شما راه انداختید. در طول مدت چند دهه، دو جنگ جهانی را شما راه انداختید و جنگیدید. البته تبعاتش شامل حال ما مسلمانها هم شد، لیکن شما اهل جنگ بودید. به این ترتیب، ما مسلمانها بنای بر جنگ نداریم. من از خودم سؤال می‌کنم؛ آیا این که مطرح بشود «مسأله‌ی جنگ اسلام و مسیحیت»، سیاستی است که طراحان پشت پرده‌ی بسیاری از قضایای جهانی نشسته‌اند و آن را طراحی کرده‌اند؟ اگر این باشد، برای دنیا تهدید بزرگی است. این، آن لکه‌ی ننگی است که از دامان غرب هرگز پاک نخواهد شد.

امروز دنیا مثل همیشه به آرامش و صلح و امنیت احتیاج دارد. یکی از نیازهای اساسی بشر، صلح است. البته ما همواره گفته‌ایم که صلح باید با عدالت همراه باشد. برای يك ملت، صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است. بشر به امنیت و صلح احتیاج دارد. هرکس این را تهدید کند، بشریت را تهدید کرده است. امروز کسانی که صلح را تهدید می‌کنند، بشریت را تهدید می‌کنند.

جامعه‌ی اسلامی باید به فکر خود باشد. امروز دنیای اسلام باید به طور جدی نسبت به سرنوشت خود فکر کند. اختلافات را کنار بگذارند؛ روی نقاط وحدت - که همان عظمت امت اسلامی است و همه این را می‌خواهند - برنامه‌ریزی و تفاهم و تلاش مشترک کنند. امروز تقریباً يك ونیم میلیارد نفر مسلمان در دنیا هست. این همه کشورهای اسلامی، این همه سرمایه‌های عظیم؛ اینها نباید در خدمت سرنوشت امت اسلامی واقع شود؟ این نیاز امروز است. تهدیدها و جفاها و ظلمهایی را که به هر بهانه‌ای به گوشه و کنار دنیای اسلام می‌بینید. این، وظیفه‌ی بزرگی را بر دوش همه‌ی مسلمانان می‌گذارد. ما هیچ کس را به آتش‌افروزی و جنگ دعوت نمی‌کنیم؛ ما همه را به صلح و آرامش و رفتارهای عاقلانه دعوت می‌کنیم. ما کمک به آتش‌افروزی‌ای که امروز در افغانستان وجود دارد، کمک به بشریت نمی‌دانیم؛ آتش‌افروزی علیه مصالح بشریت است. هرگونه کمکی به این آتش‌افروزی، برخلاف و ضد مصالح بشریت و بخصوص امروز بر خلاف مصالح امت اسلامی است.

امیدواریم خداوند متعال همه‌ی ما را هدایت و دستگیری کند و در راه راست، ما را ثابت قدم بدارد. ان شاء الله امت اسلامی را روزبه‌روز عزیزتر و سربلندتر کند؛ کشورهای اسلامی را هرچه بیشتر به هم نزدیک و مهربان کند؛ و شرّ اشرار و ستمگران را از سر امت اسلامی - بخصوص مردم مظلوم افغانستان و مردم مظلوم فلسطین - کوتاه کند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(45) علق: 1

(46) نحل: 125

(47) بحارالانوار/ ج 372 / 170

(48) انبیاء: 107

(49) انفال: 61